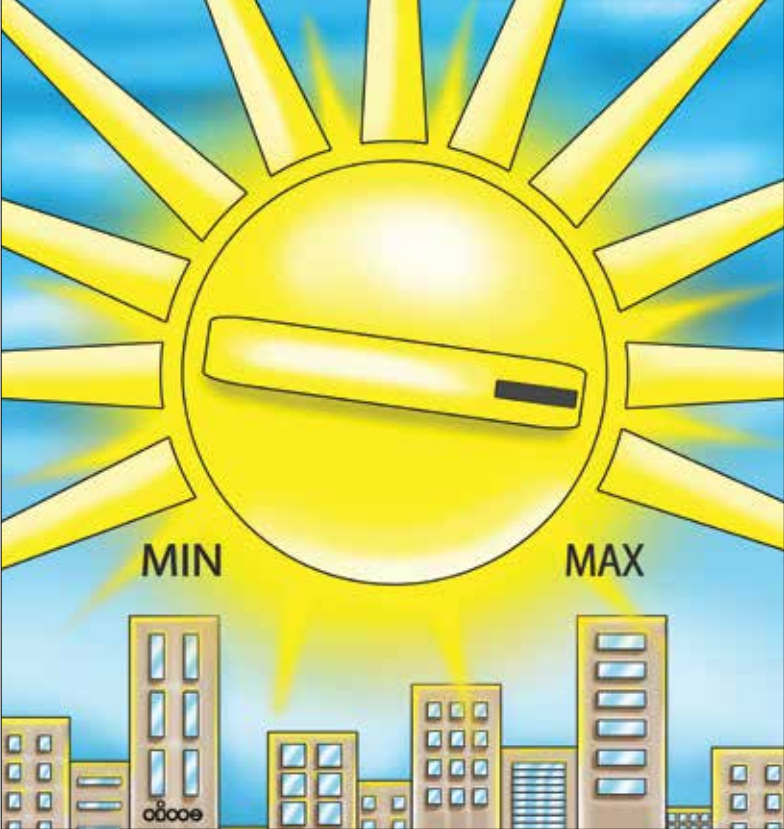


■ سال بیست وهفتم ■ شماره ۷۶۷۵ ■ دوشنبه ■ ۲۱ تیر ۱۴۰۰

| | |
|--|--------------------------|
| <p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۴۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵</p> <p>پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸</p> <p>مصدوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی / چاپخانه همشهری</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT</p> <p>تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲</p> <p>http://irannewsaper.ir</p> | |
| <p>اذان ظهر ۱۳/۱۰ اذان مغرب ۲۰/۴۲ نیمه شب شرعی ۰۱/۰۸ اذان صبح فردا ۴/۱۵ طلوع آفتاب فردا ۵/۵۸</p> | |
| <p>امام‌علی علیه‌السلام: با اخلاق نیکو، گفتار نرم می‌شود.</p> | |
| <p>سخن روز</p> | <p>(غرراالحکم،ج۴:۵۲)</p> |



هنرمندان در فضای مجازی نظریات مختلفی را با مردم به اشتراک می‌گذارند از خبر کارهای جدید تا نظرشان در مورد واکسن. روز گذشته تولد ناصر تقوایی بود به همین مناسبت رضا درمیشیان، منیره حکمت، مانا کامکار، پاتنه آ پناهی‌ها، علی شادمان، هدیه تهرانی، بهمن فرمان آرا، اوکتای برامتی، حامد بهداد، محسن قرایی، پدram شریفی، باران کوثری، مارال بنی آدم، مهناز افشار، تولد کارگردان «ناخدا خورشید»، «کافز بی‌خط» را تبریک گفتند.

■ **چهره‌ها:**

شهرزاد عبدالمجید: من شرایط زدن واکسن فایز یا سینوفارم را داشتم که بزنم. می‌تونستم مثل عزیزانی باشم که رفتند در خارج از ایران و واکسن زدن اما برگشتم ایران و با توجه به اینکه شرایط زدن واکسن در ترکیه رو داشتم خواستم جدا از شما عزیزان و مردم وطنم نباشم و با شما همراه باشم... پس لطفاً کمتر قضاوت کنید. اون دسته از کسانی که گفتید پول گرفتیم خدمتون عرض کنم خبر فرونی برای اینکار و به قول شما تبلیغش در جیب ما نرفته خیالتان راحت که مطمئن باشید برای هدف خوب و درست از جونم برای وطنم می‌گذرم اما برای پول، خیر... این حرف‌ها و کلی حرف‌های دیگر در دلم موندۀ بود که خواستم بعد از زدن دوز دوم واکسن خدمتون بگم و به‌عنوان یک آدم فقط و فقط خواستم برای مردمم اطمینان خاطری باشم همین و بس.

مسعود ملک‌بیاری: «بزرگ قد یک دکمه»، برنده جایزه فلان (جایزه بین المللی سبیا) شد، به زبان‌های فلان و بهمان ترجمه شد... بله هر نویسنده‌ای بویژه ما که این همه رجور و دلمرده‌ایم از این خبرها خوشحال می‌شود ولی برای من چند لحظه بیشتر دوام ندارد. از جایی به بعد حتی چاپ کتاب هم دیگر خوشحالم نمی‌کند چون بی گنجی بزرگترم؛ آدم‌ها. و اما درباره جایزه، خوشحالم که به نمایندگی از این‌ گروه نامم را اعلام کردند و بهانه‌ای برای کار بیشتر به ما دادند. سیاست ویژه از سیاستناو پیشوتو که همکاری با او تجربه‌ای بی نظیر بود و تصاویرش شگفت‌انگیز

مهدی یزدانی خرم: و باز هم قاب کاوه گلستان... خون روان شده بر آسفالت که کل هم بر آن گذاشته شده. ردی طولانی که منشأاش احتمالاً پشت انبوهی است که در پیشانیی قاب می‌بینیم و ادامه‌اش به انتهای عکس رسیده. آنری کارتیبه برسون معتقد بود عکاس باید بتواند لحظه نهایی و آنی‌ای را که هر عکس از جمله عکس‌های خبری می‌توانند در خود حفظ کنند، ثبت کند. لحظه‌ای که بیننده با اتفاقی تکان دهنده و عمیق در قاب مواجه می‌شود و کاوه گلستان این صدای برسون را به‌خوبی دریافت.

■ **خبرها**

آرین رضایی کارگردان و نویسنده تئاتر در صفحه اینستاگرام خود خبر از شرکت در ویبناری به‌دعوت کمپانی شهروندان مقوایی داده است: «وبا میزبانی آدریان جکسون؛ نخستین مترجم کتاب‌های آگوستوبال به‌زبان انگلیسی و مدیر هنری کمپانی با محوریت تجربه اجراهای تعاملی در ایران و در تاریخ چهارشنبه ۲۴ تیر ماه ساعت ۲۱:۳۰ در یوتیوب و لایو فیس‌بوک: cardbord citizensبرگزار می‌شه و نسخه ضبط شده هم در یوتیوب ووب‌سایت کمپانی بارگذاری می‌شه»

اما **حسن معجونی** کارگردان و بازیگر تئاتر و سینما هم در صفحه شخصی خود با آغاز هفتاد و چهارمین دوره جشنواره کن، فیلم «جاده خاکی» به نویسندگی و کارگردانی پناه پناهی اولین نمایش جهانی خود را در بخش «دو هفته کارگردانان» این جشنواره تجربه خواهد کرد. حسن معجونی، پاتنه آ پناهی‌ها، رایان سرک، امین سیمپار و بهرام ارک بازیگران اصلی اولین فیلم پناه پناهی هستند و مستانه مهاجر تهیه‌کنندگی آن بر عهده داشته است. سیمیا تیرانداز بازیگر تلویزیون، تئاتر و سینما هم خبر از پایان نقشش در سریال «دراکولا» داد: «خداحافظ دراکولا... جای بهنام جان تشکر و نیما جان شعبان‌نژاد خالی است. دم همه عوامل پشت صحنه گرم که زحمت کشیدن تا ما دیده بشیم. ممنون از شما تماشاگران محترم که همراه ما بودید.»

ژاله آموزگار: بها دادن به خانم‌هایی که کاری کرده‌اند اقدام خوبی است

درباره این که قرار شده کوچ‌به‌بست «لادن» به‌نام‌من تغییر کند اصلاًخبرنداشتم، خود آنهااین تصمیم را گرفتند ومن از این تصمیم‌شان بسیار متشکرم، اماخودم را در این حد نمی‌دانم.من یک آدم کاملاًمعمولی هستم؛ کار خارق العاده‌ای نکرده‌ام.همیشه یک معلم بودم وعلاقه‌مند، وکارهای کوچکی که انجام داده‌ام، بالاخره هر کسی می‌توانست انجام دهد. بااین حال فکرمی‌کنم حرکت جالبی است، لااقل برای این که به خانم‌هامم شانی بدهند.همیشه این کار مردانه بوده، شاید حتی در کشورهای دیگر هم همین طور بوده است. بهادان به خانم‌هایی که در هر زمینه‌ای کسی بودند و کاری کردند، حرکت بسیار خوبی است. درباره تغییر نام خیابان «عنصری» در منطقه ۱۱ تهران به‌نام «استاد توران میرهادی» هم باید بگویم که ایشان را خیلی خوب می‌شناسم وبسیار برای شان احترام قائل هستم. خمتی که ایشان انجام دادند، خدمت فرهنگی بزرگی است. برای خانم میرهادی بسیار احترام قائل هستم وواقعاحق‌شان بود.

گفته‌های این زبان شناس پیشکسوت درباره خبر نام‌گذاری پنج خیابان تهران به‌نام زن‌ان شهیر ایرانی در ایستا

و

آثار نسل نواندیش جوان منابعی غنی برای اقتباس

ادبیات داستانی از متون کهن تا ادبیات معاصر منابع قدرتمندی برای ارجاعات سینمایی است. با نگاهی به تاریخ سینمای ایران و جهان، می‌توان دریافت که تعداد بی‌شماری از فیلم‌های تاریخ سینما اغلب از ادبیات اقتباس شده و بین این دو مدیوم ارتباط وجود داشته است. گاهی منبع اقتباس آنقدر غنی است که مجبوریم قدری از بال و پر قصه را بزنیم مشروط بر اینکه به روح اثر صدمه جدی وارد نشود. در واقع رمان بی‌کم و کاست و با تغییرات جزئی به فیلم تبدیل شود. در نوع دوم اقتباس مجبوریم مواردی به رمان اضافه کنیم تا متحنی‌های نمایشی که مشخصا در سه پرده می‌شناسیمش به آن اضافه شود. نوع سوم، اقتباس آزاد است. خط کمرنگ یا محوری از قصه را انتخاب می‌کنیم و به آن پرو بال می‌دهیم البته با تعهد به این که منبع اثر را ذکر کنیم و آن را مال خود نکنیم. هر قصه‌ای به نوعی بچه نویسنده است. نباید آنقدر از اثر دور شویم که فقط از نام نویسنده و جریان تبلیغاتی آن سوءاستفاده کنیم. وقتی با داستان پرکششی مواجه هستیم که قابلیت تصویری شدن دارد چرا نسبت به آن بی تفاوت باشیم و اصرار داشته باشیم که فیلمنامه آرژینال بنویسیم و خالق اثر خودمان باشیم.

یادداشت



ابراهیم فروزش فیلمنامه‌نویس و کارگردان

می‌نویسم پس هستم...

ما آدم‌ها از هر آدمی، شغلی یا موقعیتی، تصویری در ذهن خود داریم. برای مثال اگر بگویند فلانی نویسنده است، تصویری در ذهن من و شما شکل می‌گیرد؛ البته تصویر ذهنی هر کدام از ما متفاوت با دیگری است.

راستی اولین نویسنده‌ای که به ذهن شما می‌آید، چه کسی است؟ مهدی آذریزیدی؟ هوشنگ مرادی کرمانی؟ شل سیلور استانی؟ هانس

کریستین اندرسن؟ راستی دلتنا می‌خواهد نویسنده شوید؟ می‌دانید برای نویسنده شدن چه باید کرد؟

■ **بیشتر و بیشتر بخوانید**

یکی از روش‌ها خواندن است؛ چون هر قدر بیشتر کتاب خوانده باشید به همان نسبت معنی کلمه‌ها و جای به کار بردن آنها را بهتر می‌دانید. بنابراین، اولین قدم برای نویسنده شدن، خواندن کتاب‌هایی است که مناسب سن شما باشند و بهتر است تا وقتی خودتان، چگونگی انتخاب کتاب خوب را یاد نگرفته‌اید، از پدر و مادر یا بزرگ‌تری که در این کار مهارت دارد، کمک بگیرید.

■ **بیشتر و بیشتر بنویسید**

ماهرشدن در هر کاری به تمرین نیاز دارد. بی‌گمان نویسنده شدن هم، جدای از این قاعده کلی نیست؛ پس بهتر است یک سر رسیدی یا یک دفتر زیبا داشته باشید و هر روز، خاطرات و اتفاقات روزانه را در آن بنویسید. البته پیش از آنکه بخواهید در ارتباط با موضوعی بنویسید باید به گردآوری اطلاعات بپردازید؛ بنابراین می‌توانید کتاب بخوانید یا با پدر و مادر و دوستان خود درباره موضوع مورد نظر صحبت کنید.

■ **بیشتر و بیشتر ببینید**

برای نویسنده شدن باید «خوب» ببینید. اصلاً لازم است روی همه چیز ذره‌بین بگذارید و هر چیز را از قسمت‌های مختلف آن ببینید، یعنی خوب، بد، زشت، زیبا، دروغ و راست هر ماجرابی را درست و دقیق بررسی کنید.



راستی دیدن فیلم و پویانمایی هم به شما خیلی کمک می‌کند. اصلاً دیدن هر فیلم، مثل کلاس درس و شکل دیگری از نوشتن است. پس، با کمک مامان و بابا، فیلم‌ها یا کارتون‌های خوب را انتخاب کنید و ببینید. راستی می‌دانید که از روی خیلی از کتاب‌ها، فیلم می‌سازند؟

■ **نویسنده مورد علاقه‌تان را الگو قرار دهید**

اگر خواندن داستان را دوست داشته باشید، حتماً نویسنده موردعلاقه‌ای هم دارید پس می‌توانید همان نویسنده را الگوی خود در نوشتن قرار دهید. مثلاً اگر سیلور استاین را رولد دال را دوست دارید می‌توانید چند داستان کوتاه، شبیه داستان‌های‌شان بنویسید. این کار شما، شوق نوشتن است. نگران این ماجرا هم نباشید که دیگران شما را پیرو نویسنده دیگری بدانند به این خاطر که کم کم، شیوه نوشتن خودتان را پیدا می‌کنید.

شماره جدید «نمایش شناخت» منتشر شد

پرونده‌ای برای اجر گفتار

شماره یازدهم فصلنامه «نمایش شناخت» با طراحی و گرافیک متفاوتی نسبت به گذشته و شکل و شمایل‌ی تازه روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفته است. سرمقاله این شماره را جمشید ملک‌پور نوشته با عنوان «تئاتر و انقلاب هوش مصنوعی» و در این سرمقاله از تأثیرات فرآینده و هولناک فضای مجازی و دیجیتالیزم بر آینده زندگی بشر و به تبع آن بر هنر تئاتر سخن گفته است. این شماره هم مانند شماره‌های پیشین با یک پرونده ویژه آغاز می‌شود که این بار به موضوع «رپرفورمنس لکچر» یا به تعبیری «اجرا گفتار» اختصاص یافته که حاوی مطالب متعددی در رابطه با این فرم تئاتری مدرن است که چندان در ایران به آن پرداخته نشده است. از جمله مطالب این پرونده می‌توان به ترجمه مقاله‌ای تحت عنوان «وقتی فرم شروع به صحبت می‌کند...» که سحر مشکین قلم نوشته و آذین محمد علی دانشجوی دکتری تئاتر در دانشگاه سوربن هم در یادداشتی به این موضوع پرداخته است. از دیگر مقالات ترجمه شده دیگر می‌توان به «مقدمه‌ای بر اجرا گفتار

و کاربرد تئاتر در حوزه آموزش» اشاره کرد که بهار بنی‌جمالی و رحمت امینی به ترجمه آن پرداخته‌اند. آزاده گنجه استادیار گروه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران نیز در یادداشتی با عنوان «لکچر رپرفورمانس- دستاوردهای برابری خواهانه یک ترکیب» از زاویه دیدی متفاوت به تحلیل و تبیین این فرم نمایشی پرداخته‌اند. «دیالوگ» یکی دیگر از بخش‌های ثابت نشریه نمایش شناخت است

که به گفت‌وگو با کاروزران مهم تئاتر ایران و جهان اختصاص دارد و در این شماره محسن یلفانی نمایشنامه‌نویس صاحب سبک ایرانی پس از مدت‌ها دوری از گفت‌وگو با نشریات تئاتری کشور، به سوالات نمایش شناخت پاسخ داده است. از دیگر نکات جالب توجه در رابطه با این مصاحبه که توسط نظر احمدی سردبیر مجله انجام گرفته، پرداختن به تئاتر دهه چهل و بخشی از زندگی هنری یلفانی است که کمتر درباره آن سخنی گفته شده است. دومین گفت‌وگوی این بخش توسط آیین قیادی با یونا هرهوروک مترجم شناخته شده ادبیات نمایشی لهستان صورت گرفته که اطلاعات دست اولی را در رابطه با تاریخچه ترجمه ادبیات نمایشی ایران در این کشور و تلاش‌های خاتم هرهوروک در زمینه ترجمه متون تئاتری ما بویژه آثار غلامحسین ساعدی، در اختیار خواننده ایرانی قرار می‌دهد. گفتنی است شماره یازدهم فصلنامه نمایش شناخت در ۲۱۵ صفحه و با قیمت ۶۰ هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته و همچنین علاقه‌مندان به خرید اینترنتی این نشریه هم می‌توانند با توجه به شرایط خاص فعلی و محدودیت‌های موجود در رابطه با بیماری کرونا، فصلنامه نمایش شناخت را از سایت سیبویک یا پیشگاه و نیز از طریق سایت کتابفروشی‌های پارت یا مولی تهیه کنند.

عکس نوشت

مقبرة الشعرا که از آن به‌عنوان آرامگاه استادشهریار هم یاد می‌شود یکی از نمادها و مکان‌های فرهنگی تبریز است که گرفتار وضعیت نامطلوبی شده است. این مکان فرهنگی محل دفن ۴۰۰ نفر از بزرگان شعر و ادب از جمله استادشهریار، آیین قیادی یا یونا هرهوروک مترجم شناخته همام تبریزی، خاقانی شروانی و میرزا طاهر است و یکی از جاذبه‌های فرهنگی- گردشگری تبریز به‌شمار می‌آید. طی هشت سال گذشته این مقبره پشت حصار سازه‌های فلزی و سیمانی گرفتار شده و در حال فرسوده شدن و تخریب است. /خبرگزاری صدا و سیما



می‌دهند زیرا در گذشته با موارد متعددی مواجه شده و از پس‌شان برآمده‌اند. آنان می‌دانند که می‌توانند روی تاب و تحمل خودشان حساب کنند.

کتاب

کتاب «پسا حقیقت» نوشته «جیمزبال» روزنامه نگار سرشناس بریتانیایی و برنده جایزه پولیتزر، با ترجمه مسعود میرزایی منتشر شد.

ترجمه این کتاب که نحوه تسخیر جهان توسط اخبار جعلی و مبتذل را با مطالعه چند مورد عینی در اروپا و آمریکا بررسی کرده، در چهار فصل و ۱۱ گفتار توسط انتشارات روزنامه ایران روانه بازار شده است.

«قدرت ابتذال و دروغ»، «چه کسانی دروغ و ابتذال را اشاعه می‌دهند؟»، «چرا مطالب دروغ و مزخرف تأثیر گذارند؟» و «چگونه جلوی مطالب دروغ و مزخرف را بگیریم؟» عناوین اصلی فصول چهارگانه کتاب پسا حقیقت (جهان در تسخیر اخبار جعلی و مبتذل) هستند. جیمز بال در پیشتگزار کتاب، با اشاره به اینکه دیگر اصطلاح اخبار جعلی به تنهایی برای توصیف حجم عظیم مطالب مبتذل و مزخرف کفایت نمی‌کند، می‌نویسد:

عواقب تولید و انتشار انبوه مطالب جعلی، مبتذل و مزخرف حتی برای رسانه‌های صادق و متعهدی که تلاش‌شان گزارش منصفانه و دقیق مسائل است نیز بسیار سنگین می‌باشد به گونه‌ای که ممکن است تلاش‌شان ناکام بماند. دلیل آن هم روشن است؛ فرهنگ و هنجارهای حاکم بر چنین رسانه‌هایی که عمیقاً عادت کرده‌اند استئال‌های مخالف و موافق را به‌طور متوازن در مورد یک موضوع پوشش دهند، نمی‌تواند از پس تهاجم همه جانبه مطالب مزخرف برآید. در واقع کار جریان اصلی رسانه‌ای برای مقابله با اشاعه

دهندگان مطالب جعلی و مزخرف، مثل وارد شدن با چاقو به یک جنگ مسلحانه تمام عیار است (ص ۲۷).

وی با بررسی زمینه‌های به وجود آمدن چنین وضعیت آشفته‌ای، تأکید می‌کند: سیاستمداران عموماً به‌طور ناگهانی کذاب نشده‌اند. رسانه‌ها هم به‌طور ناگهانی به‌سمت دروغ و دروغگویی متمایل نشده‌اند و باوجود ادعاهای مطرح شده، عامه مردم نیز احمق‌تر و سر به هوا تر نشده‌اند، بلکه برعکس به‌طور میانگین توده‌های مردم امروز تحصیل کرده‌تر و آگاه‌تر از هر زمان دیگر هستند. پس چرا اکنون دروغ، ابتذال و مزخرف در حال ارتقا و استیلای است؟ نویسنده در فصول مختلف کتاب تلاش می‌کند هم به این سوال مهم پاسخ دهد و هم راهکارهای عملی برای مقابله با پدیده اخبار جعلی و مبتذل ارائه کند، اما در عین حال اعتراف می‌کند: واقعیت بسیار پیچیده‌تر از این حرف‌ها است.

وی می‌نویسد: این وضعیت بخوبی در یک ضرب المثل قدیمی بیان شده است: «قبیل از این که حقیقت بخواهد چکمه‌هایش را بپوشد، دروغ نمی‌ی از جهان را طی کرده است.» هر آنچه که در این کتاب بیان شده در واقع این هشدار را به ما می‌دهد که چرا فرآیندهای کنترل واقعیت و اعتبار سنجی حتی وقتی با دقت کامل با هم تجمیع می‌شوند، باز هم برای عقب راندن مطالب جعلی و مزخرف مشکل دارند و مدام در حال دست و پا زدن هستند (ص ۳۲۹).

مهدی شفیعی مدیرمسئول روزنامه ایران نیز در مقدمه‌ای که برای ترجمه فارسی این کتاب نوشته، مقابله با اخبار جعلی را یک ضرورت فوری خوانده و تأکید کرده است: برای مقابله با پدیده اخبار جعلی که با ظاهری موجه و حتی فریبنده، کل نظام‌های دموکراتیک و جریان اصلی رسانه‌ای را در جهان در معرض تهدید قرار داده، اقدام فوری و عاجل ضروری است، ولی بدون تردید نحوه تنظیم و اعمال مقررات در این حوزه، عاری از جنجال و سر و صدا نخواهد بود، چرا که سانسور برخط اخبار جعلی که خود را به‌عنوان اخبار واقعی و اصیل جا زده‌اند، احتمالاً در ابتدا عواقب و بازتاب‌های منفی زیادی به دنبال خواهد داشت.

وی افزوده است: برقراری تعادل و توازن حرفه‌ای، فنی و حقوقی در این زمینه - مقابله با اخبار جعلی و فریبکارانه بدون لطمه زدن به اخبار واقعی ولی ناخوشایند - مهم‌ترین چالش سال‌های آینده خواهد بود که برای گذار موفقیت‌آمیز از آن همکاری رسانه‌های اصیل، کارشناسان و متخصصان عرصه ارتباطات، دولت‌ها، سازمان‌های بین المللی و نهادهای غیردولتی و بویژه مراکز آموزشی و آکادمیک ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. «الکس گیبینی» مستندساز برنده جایزه اسکار درباره کتاب پسا حقیقت گفته است: در عصر ترامپ اخبار جعلی و مبتذل مثل یک ویروس همه جا پخش می‌شد. جیمزبال در این کتاب تلاش کرده است با حضور در آلودترین مناطق، راهی برای متوقف کردن اشاعه اخبار جعلی و مبتذل در جهان پیدا کند. «آلن ژسریجر» سردبیر سابق روزنامه گاردین نیز در اظهار نظری «پسا حقیقت» را یک کتاب مهم خوانده است که در بهترین زمان ممکن و توسط یکی از تیزهوش‌ترین و خوش فکرترین روزنامه نگاران عصر جدید به رشته تحریر درآمده است. چاپ نخست کتاب پسا حقیقت (جهان در تسخیر اخبار جعلی و مبتذل) در ۴۱۲ صفحه و به قیمت ۸۵ هزار تومان هم اکنون در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

